



کریمی در گفت‌وگو با ایلنا:

توافق نانوشته همچنان در جریان است/ عمان و قطر به ارائه پیشنهادهای خرد مربوط به جابه‌جایی پول بسنده می‌کنند/ آمادگی آغاز مذاکرات در دولت بایدن وجود ندارد

تحلیل‌گر سیاست خارجی گفت: موافقت نانوشته و حتی ناگفته همچنان در جریان است. فعلاً ایران و ایالات متحده خود را در وضعیت تعادلی نسبت به گزینه‌ها می‌بینند که افزایش تنش، افزایش توسعه‌های هسته‌ای، افزایش تحریم‌ها و غیره اتفاق نیفتد.



ساسان کریمی تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با ایلنا، در پاسخ به این سوال که چه عواملی باعث مسکوت ماندن مذاکرات برجام یا رفع تحریم‌ها شده است، گفت: شرایط بین‌المللی تغییر کرده است. در واقع پرونده هسته‌ای ایران از اولویت غرب و به ویژه ایالات متحده خارج شده است. جنگ اوکراین به تبع آن شرایط روسیه در محیط بین‌المللی، شرایط داخلی ایران در سال گذشته، جنگ غزه و انتخابات پیش رو در ایالات متحده شرایطی است که نسبت به دوران قبل تغییر کرده و در نتیجه زمان زیادی است که مطلوبیت احیای برجام را نسبت به شرایط کنونی برای طرف‌های غربی کم کرده است. واقعیت آن است که در انتهای دولت دوازدهم و ابتدای دولت سیزدهم فضای بسیار مثبتی در آن سوی میز مذاکرات احیای برجام وجود داشت که متأسفانه تحت تأثیر بحث‌های مربوط به سیاست داخلی و جناحی، مسائل هویتی، باورهای اشتباه و توهم آمیز قرار گرفت. ما در آن زمان، بر سر به کار بردن واژه برجام یا حذر از آن رجزخوانی ضمنی داشتیم. متأسفانه برخی از کسانی که در دولت جدید کار سیاست خارجی را بر عهده گرفتند فکر می‌کردند مذاکرات و توافق کردن تنها به اراده ایشان بستگی دارد و طرف مقابل همیشه پشت در می‌ایستد که اینطور نبود. حالا متوجه شده‌اند ولی متأسفانه بسیار دیر شده و منافع ملی از جهات مختلفی تضییع شده است.

کریمی در پاسخ به این سوال که چرا ایران یا حتی اروپا برای دور جدید مذاکرات در این ایام پیش قدم نمی‌شوند، گفت: اروپایی‌ها نسبت به قبل در موضع کمتر همراهی با احیای برجام قرار دارند. به خصوص در آلمان پس از تغییر در دولت شاهد مواضع سرسختانه‌ای بودیم و در اتفاقات سال گذشته این مواضع سرسختانه‌تر شد. این تا حدی است که امروز در مواردی دولت ایالات متحده مواضع اروپایی‌ها را نسبت به جمهوری اسلامی تعدیل می‌کند. در سمت ایرانی اما بارها شاهد ابراز علاقه از سوی آقای امیرعبداللهیان بوده‌ایم ولی پاسخی نیامده است. حتی ایشان بارها با شوق اعلام کرده‌اند که پیام‌هایی را مکرراً از طرف آمریکایی‌ها دریافت می‌کنند. اما این هم نوشدارویی پس از مرگ سهراب معنا می‌شود چراکه از اساس این آمادگی در دولت بایدن وجود ندارد که تا انتخابات ریاست جمهوری چنین مذاکراتی را آغاز کند.

وی در پاسخ به این سوال که در گذشته از موضوع طرح عمان، ژاپن و طرح‌هایی از این دست درباره به نتیجه رسیدن مذاکرات صحبت می‌شد. از نظر شما راه‌اندازی این طرح‌ها چه کارکردی در پیشرفت مذاکرات می‌تواند داشته باشد، گفت: در زمان ترامپ که ژاپنی‌ها و دیگران پیشنهادهای میانجیگرانه‌ای را ارائه کردند به هر علت موقعیت آن وجود نداشت که بتوانیم پاسخ مثبتی به آنها دهیم. اکنون اما عمان و قطر به پیشنهادهای عملیاتی در خصوص موضوعات موردی و خرد مربوط به جابجایی پول‌ها و غیره بسنده می‌کنند. چراکه متوجه این معنا شده‌اند که زمانی که امکان عمل واقعی و برداشتن قدم‌های اساسی برای احیای برجام بود طرف‌ها با اتلاف زمان و تصورات غلطی نظیر زمستان سخت و غیره دست به عمل نزدند و امروز هم ایالات متحده این آمادگی را ندارد. بنابراین عمان، قطر و دیگر کشورها چندان تحرکی از خود نشان نمی‌دهند. ضمن آنکه ضعف عملکرد دیپلماسی ما امروز آشکار شده است.

کریمی در پاسخ به این سوال که چه پارامترهایی برای آغاز دور جدید مذاکرات برای طرفین لازم است تا به میز مذاکرات بازگردند، گفت: به نظرم در دولت کنونی ایالات متحده نمی‌توان منتظر چنین آمادگی‌ای بود. در دولت کنونی ما هم از نظر فنی آمادگی لازم وجود ندارد. بنابراین اگر دموکرات‌ها روی کار بیایند، مامور کردن تیم و فرد جدید برای این مذاکرات می‌تواند بخش باشد.

این تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل در مورد سفرهای اخیر وزیر خارجه کشورمان به قطر و احتمال طرح موضوع احیای برجام در آن گفت: گفت‌وگویی هم اگر باشد بیشتر حول مساله غزه و حماس است و نه برجام. من در شرایط کنونی قطری‌ها و عمانی‌ها را واقع‌گراتر و باهوش‌تر از آن می‌بینم که بخواهند خود را به چنین تقلایی بیندازند.

وی در پاسخ به این سوال در مذاکرات گذشته ما شاهد رسیدن به توافق نانوخته بودیم به نظر شما آیا این توافق نانوخته هم اکنون در چه وضعیتی قرار دارد، گفت: موافقت نانوخته و حتی ناگفته همچنان در جریان است. فعلاً ایران و ایالات متحده خود را در وضعیت تعادلی نسبت به گزینه‌ها می‌بینند که افزایش تنش، افزایش توسعه‌های هسته‌ای، افزایش تحریم‌ها و غیره اتفاق نیفتد. احتمالاً سهل‌گیری در فروش نفت به چین در برابر موضوعاتی که برای جمهوری اسلامی ایران قابل پذیرش بوده‌اند انجام می‌شود و بیش از این در دسترس نیست. تنها چیزی که باید به آن توجه کرد عدم فروش سهمیه نفت، بالا رفتن هزینه‌های واردات و انتقال پول، امنیتی بودن وضعیت منطقه و در نتیجه آنها به صرفه نبودن همکاری با ایران برای شرکت‌های خارجی، همچنین عدم سرمایه‌گذاری خارجی، خروج سرمایه و نیروی انسانی و غیره است که ذیل این وضعیت تعلیق بر ایران تحمیل شده است. در یک کلام بقای ما در وضعیت کنونی و حتی در وضعیت فشار حداکثری که فشار چندین و چند برابر بیش از امروز بود به خطر نمی‌افتد و پروژه امثال ترامپ و پمپئو در این معنا با شکست سنگین مواجه بوده است. اما توسعه ما تقریباً متوقف است و این مسأله قابل اغماض نیست که بخواهیم نسبت به آن بی‌تفاوت باشیم.

انتهای پیام/

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1430599>

لینک کوتاه



نرم افزار موبایل ایلنا 